

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و چهارم، شماره نود و چهارم

تابستان ۱۴۰۲

بررسی عوامل مؤثر در رشد اقتصاد نیشابور در عصر طاهریان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۷/۲۴

۱ محمد رضا سوقندی

۲ شهربانو دلبری

۳ طاهره عظیم‌زاده طهرانی

۴ محمود مهدوی دامغانی

طاهریان (۲۰۷-۲۵۰ق)، نخستین حکومت در ایران دوره اسلامی هستند که توانستند اندیشه و هویت ایرانی را بر پایه تعالیم اسلامی دوباره احیا نمایند. اگرچه طاهریان وابسته به خلافت عباسیان بودند، اما در عهد فرمانروایی عبدالله بن طاهر (۲۱۳-۲۳۰ق)، به پایتختی نیشابور، توانستند استقلال نسبی خود را به دست آورند. این رویداد، مرهون عوامل متعددی از جمله: اصلاحات در شیوه حکومت‌داری و استیلا بر خوارج و به دنبال آن، رشد اقتصادی نیشابور بود. هدف اصلی این مقاله، بررسی عوامل مؤثر در چگونگی رونق اقتصادی نیشابور در عصر طاهریان، به‌ویژه دوران حکومت

۱. دانشجوی دکترای تاریخ و تمدن ملل اسلامی (Soqandi@gmail.com).

۲. عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (نویسنده مسئول) (tarikh_2003@yahoo.com).

۳. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی.

۴. استاد مدعو گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی.

عبدالله بن طاهر است.

این پژوهش، با روش وصفی - تحلیلی، در پی پاسخ به این پرسش است که طاهریان با چه روش‌هایی بر رونق اقتصادی نیشابور تأثیرگذار بوده‌اند. یافته‌های پژوهش، نشان می‌دهد توجه ویژه طاهریان به کشاورزی، شیوه آبیاری، خراج نظام‌مند و رشد دیگر صناعات، به گسترش بازرگانی انجامیده است.

کلیدواژگان: طاهریان، نیشابور، عبدالله بن طاهر، کشاورزی و آبیاری، خراج.

مقدمه

پس از استیلای کامل مسلمانان بر حکومت ساسانی در دهه سوم هجری قمری، به مدت دو سده در سرزمین ایران هیچ حکومت ایرانی تباری وجود نداشت و این روند، تا انتقال مرکز حکومت عباسیان توسط مأمون (۱۷۰-۲۱۸ق)، از خراسان به بغداد ادامه یافت. مأمون خلیفه عباسی، طاهر بن حسین بن مصعب مشهور به طاهر ذوالیمینین (۲۰۵-۲۰۷ق) را به عنوان حاکم خراسان منصوب کرد.^۱ این رویداد، سبب استقلال نسبی ایرانیان در حکومت و احیای هویت ایرانی در پرتو آموزه‌های دین مبین اسلام گردید. به نظر برخی پژوهشگران، طاهریان (۲۰۷-۲۵۰ق) از خاندان‌های کهن خراسان بوده‌اند که بعد از سقوط ساسانیان، نماینده گروه دهقانان کشاورز در خراسان می‌باشند.^۲ شروع حکومت طاهریان، مصادف با انجام شورش‌های متعدد خوارج در سرزمین خراسان بود.^۳

۱. ر.ک: محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ص ۴۹۷.

۲. ر.ک: امیر اکبری، تاریخ حکومت طاهریان، ص ۶۰-۶۵.

۳. ر.ک: ابن فقیه، البلدان، ص ۸۴؛ اصطخری، المسالک والممالک، به اهتمام: ایرج اغشار، ص ۲۰۵.

این شورش‌ها، آرامش این سرزمین را کاملاً بر هم زده بود و حملات مداوم خوارج بر روستاییان بی‌دفاع و ستم‌های فراوان آنان بر مردم خراسان، افزون بر ناامنی، موجب ناپایداری و رکود اقتصادی فراوان شده بود؛ تا اینکه عبدالله (۲۱۳-۲۳۰ق) فرزند طاهر، مرکز حکومت طاهریان را از مرو به نیشابور (۲۱۵ق) منتقل کرد.^۱

و توانست بر شورش‌های خوارج استیلا یابد و آرامش را بر سرزمین خراسان به پایتختی نیشابور برقرار سازد. بر این اساس، هدف اصلی این مقاله، بررسی عوامل متعددی است که در زمان پایتختی نیشابور و در دوران طاهریان، موجب رشد اقتصاد و آبادانی آن شهر گردیده است.

پیشینه تحقیق

تاکنون کتاب یا مقاله مستقلی به بررسی اوضاع اقتصادی نیشابور با تأکید بر تدابیر طاهریان نپرداخته است؛ اما شماری از کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها، به صورت ضمنی، به وضعیت اقتصادی طاهریان، به‌ویژه به اقدامات دوره عبدالله و کوتاهی‌های سایر امرای طاهری اشاره نموده‌اند؛ به عنوان نمونه، برخی نویسندگان به صورت پراکنده و کلی، به این موضوع پرداخته‌اند؛ همچون:

الف. کتاب

- دو کتاب: تاریخ ایران بعد از اسلام و تاریخ مردم ایران از پایان ساسانیان تا آل‌بویه، از آثار عبدالحسین زرین‌کوب؛ *رساله جامع علوم انسانی*
- *تاریخ ایران اسلامی*، جلد دوم، تألیف رسول جعفریان؛
- *تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان طاهریان*، نوشته حسین مفتخری؛

۱. ر.ک: حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، ص ۱۳؛ ر.ک: محمدعلی اسلامی ندوشن، صفیر سیمرخ،

- دو کتاب: *ایران در قرون نخستین اسلامی و کتاب تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه* جلد ۴ (کمبریج)، اثر برتولد اشپولر، ترجمه حسن انوشه؛
 - *تاریخ حکومت طاهریان*، نوشته امیر اکبری. این کتاب، در میان پژوهش‌های معاصر، مرجعی ارزشمند در بیان ویژگی‌های حکمرانی خاندان طاهریان به شمار می‌آید.

ب. پایان‌نامه

- «طاهر ذوالیمینین و بررسی ساختار حکومت طاهریان»، اثر مرتضی حسینی مقدم؛
 - «تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی طاهریان»، به قلم علیرضا اسماعیلی.

ج. مقاله

- «ایران‌گرایی طاهریان»، نوشته جواد صفا؛
 - «قلمرو حکومت طاهریان و اهمیت شهرهای اربعه خراسان»، به قلم امیر اکبری.

نگاه اجمالی به جایگاه نیشابور تا دوره طاهریان

نیشابور، شهری پُرآوازه در ادوار تاریخی است. در نگاه شیعی کدکنی، فشرده‌ای است از ایران بزرگ، و به بیان ندوشن، کمتر شهری در سرتاسر ایران را می‌توان یافت که به اندازه نیشابور، سرشار از رویدادهای تاریخی باشد.

در اکثر روایات پهلوی، بنای آن را به شاپور ساسانی (۲۴۰م) منسوب دانسته‌اند که شاپور اوّل پس از جدال با پهلپزک تورانی در این سرزمین، شهری ساخت و آن را «نیه شاپور» به معنای شهر شاپور نام نهاد؛^۱ اما در روایات اسطوره‌ای، سنگ بنای نیشابور را به تهمورث دیوبند، سومین پادشاه افسانه‌ای پیشدادیان نسبت می‌دهند.^۲

۱. ر.ک: حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، ص ۳۵۰-۳۵۱؛ عبدالحسین سعیدیان، دائرة المعارف سرزمین و مردم ایران، ص ۸۲۸.

۲. برای کسب اطلاعات بیشتر، رجوع شود به دو منبع: حاج زین‌العابدین شیروانی، ریاض السیاحة، ص ۳۸۳؛ حمدالله مستوفی قزوینی، نزهة القلوب، ص ۱۸۱-۱۸۲.

از آنجا که تولید اقتصادی و حیات سیاسی اجتماعی این شهر در طول اعصار در سایه راهی بود که از سواحل شرقی مدیترانه شروع می‌شد و از نیشابور نیز می‌گذشت و تا ایالت‌های غربی چین ادامه می‌یافت، در این مسیر، نه تنها زمینه تبادل کالا، بلکه مسیر تبادل فرهنگ، اندیشه و اعتقادات مردمان شرق با غرب نیز در طول اعصار فراهم گردیده بود. بنابراین، در سایه این راه تاریخی، نیشابور از جمله مهم‌ترین مراکز تلاقی افکار و فرهنگ‌های مختلف به شمار می‌رفت. به صورت کلی، تا قبل از سقوط دولت ساسانی، شهر نیشابور و سرزمین خراسان، از جایگاه اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و نظامی ارزشمندی برخوردار بود.

در پرتو این موقعیت ویژه، اعراب مسلمان نیز مسئله فتح بلاد شرقی، به‌خصوص سرزمین خراسان را در اولویت قرار دادند. بدین ترتیب، خراسان در دوران اسلامی همچون گذشته موقعیت والا و حساس خود را در قالب چهار ایالت به مرکزیت: بلخ، مرو، هرات و نیشابور حفظ کرد.^۱ با آمدن اسلام، نیشابور اهمیت خویش را همانند ماقبل اسلام خود حفظ کرد؛ تا آنجا که به گمان مورخان، تأمین آب و موقعیت جغرافیایی، مهم‌ترین عامل در گسترش شهر نیشابور در ادوار تاریخی بوده است؛ به عبارتی، موقعیت خاص این شهر در میان رشته کوه‌هایی که اطراف نیشابور را از شمال و جنوب احاطه کرده، از جمله عوامل مهم در تبدیل این شهر به توانگرترین بلاد در سرزمین خراسان به حساب می‌آید.^۱ در این راستا، به سبب بارش‌های جوئی مناسب، به‌ویژه برف در کوه‌ها به عنوان منبع ذخیره و تأمین آب نواحی پایین دست در دشت نیشابور در قالب رودخانه، قنات و چشمه، نیشابور در سرزمین خراسان از آب و هوایی لطیف و باطراوت برخوردار گشته که این عامل، سبب جلب توجه حاکمان در ادوار مختلف تاریخی به این شهر شده است. به گمان

۱. ر.ک: ابواسحاق ابراهیم اصطخری، مسالک و ممالک، ص ۲۹۶؛ ابوالقاسم بن احمد جیهانی، اشکال

ابن فقیه (۲۵۵ق)، «نیشابور دارای ۱۲ روستا بود که در هر روستایی، صدویک دهکده وجود داشت.»^۱ این آمار تاریخی، نشانی از رونق نیشابور در طول اعصار است.

در اوایل دوران اسلامی، این شهر به «برشهر» معروف گردید.^۲ یکی از علت‌های نام‌گذاری‌اش به ابرشهر، نقش مهم آن در حیطة ارتباطات و بازرگانی بود؛^۳ به گونه‌ای که جایگاه خاص آن در سده‌های نخستین اسلامی، آن را به بارانداز فارس، سند، کرمان، خوارزم، ری و گرگان مبدل ساخت.^۴ پایتختی این شهر در دوران اسلامی، با امرای طاهری (۲۰۶-۲۵۹ق) آغاز گردید. در عصر عباسیان، مأمون (۱۹۸-۲۱۸ق) خلیفه عباسی، در نزاع با برادرش امین (۱۷۰-۱۹۸ق)، با جنگ‌های سرداری به نام طاهر ذوالیمینین به پیروزی رسید.^۵ به پاس این خدمتش، حکومت شرق ایران به این سردار ایرانی تبار واگذار شد و این رویداد، منجر به تأسیس نخستین حکومت ایرانی وابسته، پس از حمله اعراب گردید. از سوی دیگر، به علت اینکه حکومت امویان (۴۰-۱۳۲ق) به عنوان حکومت قبل از عباسیان، هیچ‌گاه سعی نکرد در تعامل با ایرانیان قدمی بردارد، از این جهت، ایرانیان بسیار ناراضی از شیوه حکومت‌داری امویان بودند؛ به عنوان مثال، در جمع‌آوری و وصول خراج در ولایت خراسان که از ولایات دورافتاده نسبت به سرزمین‌های عرب بود، امویان غالباً با خشونت رفتار می‌کردند. این شیوه خشونت در مالیات‌گیری، سبب افزایش ناراضی‌تبی از دستگاه بنی‌امیه گردید؛ تا اینکه قیام‌های متعدد در سرزمین خراسان شکل گرفت و پس از یک‌صد سال، به سلسه اموی پایان داد. از جمله علت‌های همیشگی ناراضی‌تبی خراسانیان از حاکمیت اعراب، پافشاری آنان بر پرداخت جزیه و مالیات ناعادلانه

۱. ر.ک: ابن‌فقیه، البلدان، ص ۱۶۷.

۲. ر.ک: ابن‌حوقل، صورة الأرض، ص ۱۶۶؛ ابن‌خردادبه، مسالك و ممالک، ص ۵۴.

۳. ابن‌حوقل، صورة الأرض، ص ۱۶۶.

۴. ر.ک: مطهر بن طاهر مقدسی، آفرینش و تاریخ، ص ۳۱۵؛ جیهانی، اشکال العالم، ص ۱۷۳.

۵. ر.ک: مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۱۴.

و جور و ستم ایشان با رعیت بود که به شکل‌گیری شورش‌های متعددی در سده‌های نخستین اسلامی در سرزمین خراسان انجامید.^۱ در این راستا، عباسیان برای سرکوبی شورش‌ها، هنگام انتخاب حاکم خراسان تصمیم به انتخاب خاندانی ایرانی نمودند. بنابراین، مأمون به دلایل گوناگون و از جمله با توجه به خدمات و سابقه خاندان طاهریان و شرایط حاکم بر خراسان، تصمیم گرفت طاهر ذوالیمینین را به حاکمیت خراسان منتخب نماید.

طاهریان، مرکز حکومت خود را به تاسی از مأمون عباسی، در مرو (۹۷ق) قرار دادند. همان‌گونه که ذکر شد، مهم‌ترین مسئله امنیتی که طاهر با آن مواجه بود، شورش‌های خوارج بود. بعد از طاهر و در زمان طلحه بن طاهر (۲۰۷-۲۱۳ق) که مدت هفت سال پس از پدرش حکومت کرد، تنها اندکی از فعالیت خوارج خراسان به کنترل در آمد؛ اما خوارج سیستان همچنان کانون اصلی آشوب‌ها بودند و مجدد توانستند دامنه فعالیت‌های خود را تا قلب خراسان پیش برند.^۲ علی بن طاهر (م. ۲۱۳ق)، در جنگ با خوارجی که تا نزدیک خراسان آمده بودند، کشته شد و با مرگ وی، نیشابور دستخوش قتل و غارت خوارج گردید و رفته‌رفته تمام خراسان مورد تهدید قرار گرفت.^۳ در این راستا، مأمون به عبدالله بن طاهر دستور داد سریعاً به خراسان رود و اوضاع را تحت کنترل خود در آورد. عبدالله نیز ابتدا عزیز بن نوح را پیشاپیش فرستاد تا خراسان را از وجود خوارج پالایش نماید و خود در سال ۲۱۵ق وارد نیشابور شد.^۴ با روی کار آمدن عبدالله، مرکز حکومت طاهریان،

۱. ر.ک: عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلبی، اخبار الدولة العباسية، ص ۲۰۴.

۲. ر.ک: عبدالحی بن ضحاک بن محمود گردیزی، تاریخ گردیزی، ص ۲۸۹.

۳. ر.ک: نفیسی، تاریخ خاندان طاهری، ص ۳۱؛ اکبری، تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام، ص ۱۷۱، ۱۸۳-۱۸۴ و ۱۸۶-۱۸۷.

۴. ر.ک: محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۱۳، ص ۵۷۴۲؛ ر.ک: ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۸۵.

از مرو به نیشابور منتقل گردید^۱ و این شهر به سوی ترقی هرچه بیشتر گام برداشت؛ چنان که به بیان حاکم نیشابوری، به هر عیدی، یکی از بازرگانان نیشابور، به تمامی اهالی این شهر ولیمه می داد.^۲

مهم ترین عوامل رونق اقتصادی نیشابور در دوره طاهریان

در ابتدای به قدرت رسیدن دوره طاهریان، اقدامات چشمگیری در عرصه اقتصادی به چشم نمی خورد. دوره حکومت طلحة بن طا هر (۲۰۷-۲۱۳ق)، بیش از هر چیز، در مبارزه با خوارج سپری شد.^۳ وی حتی سپاه و کمک های مالی از نیشابور به سیستان می فرستاد^۴ و مقارن پایان دوره طاهریان نیز وضع مردم نیشابور نابسامان بود.^۵ بنابراین، دوران عبدالله بن طاهر، اوج اعتلای حکمرانی طاهریان است. این موفقیت، مرهون شخصیت اندیشمند، عملکرد و اصلاحات ممتاز او در اقدامات اقتصادی در دوره حکومت داری است.

۱. پایتختی نیشابور و امنیت راهها

همان گونه که در سطور فوق بیان گردید، نخستین اقدام عبدالله این بود که پایتخت طاهریان را از مرو به نیشابور منتقل نمود. انتقال پایتخت، بر رونق اقتصاد نیشابور تأثیر داشت. با توجه به منابع تاریخی، عبدالله علت انتخاب نیشابور را چنین توصیف نموده است: «به چند علت، اینکه هوایش قوی و مردمش سربه زیر و عمر ایشان دراز است.»^۶

۱. ر.ک: اصطخری، المسالک والممالک، ص ۲۵۷؛ ر.ک: سید علی مؤید ثابتي، تاریخ نیشابور، ص ۹۹-۱۰۰.

۲. ر.ک: حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، ص ۲۰۱.

۳. ر.ک: عبدالحی گردیزی، تاریخ گردیزی، ص ۳۰۱؛ زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۵۰۶.

۴. ر.ک: امیر اکبری، تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام، ص ۶۴.

۵. باستانی پاریزی، یعقوب لیث، ج ۱، ص ۱۸۹.

۶. محمد بن احمد مقدسی، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ج ۲، ص ۴۸۷.

برخی نیز سبب درازی عمر مردمان نیشابور را در نتیجه نیرومندی هوای آن دانسته‌اند.^۱ علاوه بر آب و هوای نیکو و خوشایند نیشابور، علت مهم دیگری نیز در انتخاب این شهر وجود داشت و آن، انگیزه‌های سیاسی و نظامی بود. از آنجایی که سرزمین خراسان عصر طاهریان در سرحدات در معرض هجوم ترکان بود، در درون نیز با مسئله شورش‌ها روبه‌رو بود و در میان همه شهرهای این سرزمین، نیشابور کانون خوارج و آشوب‌ها گشته بود. از این رو، عبدالله با انتقال پایتخت از مرو به نیشابور، توانست نظم و آرامش گذشته را به نیشابور باز گرداند. همچنین، در صورت شورش‌های خوارج در سیستان نیز می‌توانست زودتر واکنش نشان دهد.

از دیگر عوامل انتقال پایتخت از مرو به نیشابور، موقعیت جغرافیایی نامناسب مرو بود؛ زیرا این شهر در مجاورت واحه و ریگزار و کویر مسطح قرار داشت و دفاع از آن در مقابل تهاجم دشمنان دشوار بود. بنابراین، راه‌های منتهی به آن نیز ناامن بود. این مشکلات طبیعی و امنیتی، بر رفت و آمد کاروان‌های تجاری تأثیرات نامطلوب نهاد.^۲ کوتاه سخن اینکه عبدالله با در نظر گرفتن عواملی نظیر: موقعیت جغرافیایی ویژه نیشابور و عامل دفاعی و استراتژیکی آن و نیز قرار گرفتن آن بر سر مهم‌ترین راه‌های تجاری، پایتخت طاهریان را از مرو به نیشابور انتقال داد. این جابه‌جایی پایتخت، موجب پیشرفت و بلوغ دوباره نیشابور در مسیرهای ارتباطی و زیرساخت‌های آن چون: کاروانسراها، بازارها، صنعت، کشاورزی، تجارت و آبادی روستاها گردید.

چه اینکه پیش از این، شبیخون‌های خوارج به نیشابور و روستاهای آن به همراه قتل و غارتی که به راه انداخته بودند، سبب گردیده بود^۳ آرامش از این مناطق، به‌ویژه راه‌های

۱. ر.ک: امیر اکبری، تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام، ص ۱۸۶.

۲. ر.ک: عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ مردم ایران، ص ۴۹۳.

۳. ابن اثیر، تاریخ کامل، ج ۹، ص ۳۸۹۳-۳۹۴۹؛ ضحاک بن محمود گردیزی، تاریخ گردیزی، ص ۲۹۹.

مواصلاتی آن، از بین برود و به دنبال آن رفته‌رفته تمام سرزمین خراسان را ناامن نماید. عدم امنیت راه‌ها، سبب رکود اقتصاد نیشابور و به صورت کلی در سرزمین خراسان گردیده بود. مسیرهای تجاری خراسان، از سده دوم هجری، از مهم‌ترین راه‌های مواصلاتی تا حمله مغولان به حساب می‌آمدند و توسط این مسیرها سرزمین خراسان به ماوراءالنهر و ترکستان به غرب ایران و بین‌النهرین متصل می‌شد و از جمله شاخه‌های آن، مسیرهایی بود که در حد فاصل نیشابور گذر می‌کرد.^۱ به همین جهت، امنیت این راه‌ها به عنوان مؤلفه اقتصادی، بسیار حایز اهمیت بود. از جمله این راه‌ها، مسیری بود که از سوی ایالت قهستان به نیشابور می‌رسید و این، همان راهی بود که امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۰ق از طریق آن، به نیشابور وارد شد.^۲ این راه از لحاظ تجاری، بسیار بااهمیت بود؛ زیرا مراکز تجاری معتبری مانند: ایالت‌های فارس، سواحل خلیج فارس و کرمان را به نیشابور پیوند می‌داد و از این جهت، نیشابور را به بارانداز کالاهای شرق دور و حتی شرق اروپا مبدل ساخته بود.

امنیت و رونق راه‌ها و مسیرهای کاروان‌های تجاری پیرامون خراسان، از جمله نیشابور، به زمانی پیش از ظهور طاهریان در عصر ساسانیان باز می‌گردد. این مسیرها بنا بر گزارش بیهقی (۳۸۵-۴۷۰ق)، در سده‌های نخستین اسلامی به سبب عدم امنیت، به صورت دوره‌ای یا مسدود بودند و یا رفت‌وآمد کمتری در آنها انجام می‌پذیرفت و کاروانیان ترجیح می‌دادند از مسیرهای دیگر گذر نمایند.^۳ این مسئله، خود عاملی مهم در رکود

۱. ر.ک: ابوالقاسم محمدبن حوقل، صورة الأرض، ص ۴۵۶؛ ابن خردادبه، مسالک و ممالک، ص ۲۳.

۲. ر.ک: حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، ص ۲۰۸. ر.ک: چارلز ویلکینسون، «نیشابور از اسلام تا حمله مغول»، مشکوة، ترجمه: نسرین احمدیان شالچی، ش ۷۱؛ ص ۴۶؛ ر.ک: علی غفرانی و حمیدرضا ثنائی، «راه‌های ایالات غرب خراسان به سوی نیشابور، مقارن ورود امام رضا علیه السلام به خراسان»، مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، ش ۹۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۴۹-۱۷۱.

۳. ر.ک: ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی، تاریخ بیهقی، ص ۴۶-۴۷.

اقتصادی به حساب می‌آمد؛ به عنوان مثال، در سده سوم هجری هم‌زمان با حکومت طاهریان، این جاده‌ها دستخوش ناامنی برخاسته از فتنه‌های خوارج بود. منشأ این شورش‌ها، همان‌گونه که در سطور بالا ذکر گردید، به نارضایتی از حکومت اعراب و ظلم آنان در شیوه حکومت‌داری باز می‌گردد و کانون‌های اصلی آن، در سرزمین خراسان و سیستان بود.^۱ علاوه بر خوارج، به سبب ناامنی ایجادشده در آن دوره، خطر شیبیخون دزدان نیز تهدید دیگری برای کاروانیان بود. مورخان از غارت بسیاری از اموال کاروانیان در اواخر سده دوم تا اوایل سده سوم هجری در شاهراه خراسان و نیشابور گزارش داده‌اند؛^۲ اما پس از انتقال پایتخت خراسان از مرو به نیشابور، در سال‌های حکومت عبدالله بن طاهر و تسلط بر شورش‌های خوارج به علت نزدیکی نیشابور به سیستان و ایجاد امنیت، این مسیرها دوباره بازگشایی و رونق یافت. در این راستا، شاهراه خراسان به ری و دیگر نقاط، همچون گذشته با محوریت نیشابور رونق یافت.

رونق مسیرهای تجاری برای اهالی نیشابور، موهبت اقتصادی به ارمغان آورد؛ زیرا تردد کاروان‌های تجاری از این مسیرها، زمینه اشتغال را برای ساکنان این مسیرها فراهم کرده بود. علاوه بر احیای مجدد کسب‌وکارهای خدماتی، روستاییان به راحتی می‌توانستند محصولات تولیدی و صنایع دستی خود را به ولایات دیگر صادر نمایند.^۳

۲. اصلاح نظام آبیاری و رونق کشاورزی

به صورت کلی، طاهریان بیشتر توجه خویش را معطوف به کشاورزی نموده بودند و کشاورزی از محورهای توسعه اقتصادی طاهریان به حساب می‌آمد. مطابق گزارش تاریخ گردیزی، در متن دستور عبدالله به کارداران حکومتی‌اش آمده است:

۱. ر.ک: سید احمد رضا خضری، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، ص ۷۹-۸۰.

۲. ر.ک: ابوالقاسم محمد بن حوقل، صورة الأرض، ص ۴۰۲؛ ابواسحاق ابراهیم اصطخری، مسالک و ممالک، ص ۲۳۱؛ علی بن عثمان هجویری، کشف المحجوب، ص ۱۵۳-۱۵۴.

۳. ر.ک: ابوالقاسم محمد بن حوقل، صورة الأرض، ص ۴۲۸.

حجت بر گرفتیم شما را از خواب بیدار شوید! و از خیرگی بیرون آید و صلاح خویش بجوید و با بزرگان ولایات مدارا کنید و کشاورزی که ضعیف گردد، او را قوت دهید! و به جای خویش باز آرید! که خدای عزوجل از دست‌های ایشان طعام کرده است و بیداد کردن بر ایشان را حرام کرده است.^۱

اهتمام خاص طاهریان به احیا و ترمیم قنات‌ها، با وجود کاریزهای بسیار در زمان حکومتشان، سبب گردید که در طول تاریخ، قنات‌های سرزمین خراسان، به‌ویژه نیشابور را به نام «قنات طاهری» بخوانند؛^۲ تا آنجا که در منابع آمده، عبدالله برای حفر یک قنات، یک میلیون درهم خرج کرد.^۳ همچنین، بر اثر زلزله و تخریب قنات‌ها به همراه کم شدن آب جاری در کاریزها، میان اهالی خراسان بر سر تقسیم آب همواره نزاع در می‌گرفت. از این رو، عبدالله به منظور جلوگیری از نزاع و خشونت روستاییان در زمینه تقسیم آب، فقها را مأمور به تألیف کتابی در باره احکام قنات نمود. گردیزی در این باره آورده است:

پیوسته اهل نیشابور و خراسان نزد عبدالله همی آمدندی و خصومت کاریزهای همی رفتی و اندر کتب ققه و اخبار رسول(ص) معنای کاریز و احکام آن، چیزی نیامده بود. سپس، عبدالله همه فقهای خراسان و بعضی از عراق را جمع‌آوری کرد تا کتابی ساختند در احکام کاریزها و آن کتاب را القنی نام کردند، تا احکامی که اندر آن معنی کنند، بر حسب آن کنند.^۱

تألیف این کتاب، حاکی از التزام طاهریان به احکام و راهکارهای اسلامی است.

۱. ضحاک بن محمود گردیزی، تاریخ گردیزی، جلد ۱، ص ۳۰۲.

۲. ر.ک: محی‌الدین محمد اسفزاری، روضات الجنات فی اوصاف مدینة هرات، ص ۱۱۶ و ۲۵۰؛

عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۵۱۳.

۳. ر.ک: محمد اسفزاری، روضات الجنات، ص ۲۵۰.

۳. رفاه محرومان و عدالت‌گستری

از دیگر اقدامات عبدالله، توجه به رفاه محرومان و نیازمندان بود. در این خصوص آمده که وی به نیازمندان، علاوه بر مستمری ماهیانه، خوراک و پوشاک نیز ارائه می‌داد.^۲ این اقدامات عبدالله، مرهون تربیت صحیح پدرش است. وی گرچه مجال تحقق اندیشه‌هایش را نیافت، ولی اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی حکومت‌داری را در قالب اندرزنامه به رشته تحریر در آورد. این نامه‌ها به اندازه‌ای گران‌بها بود که حتی مأمون نیز دستور داده بود که مضمون این نامه‌ها برای تمام کارگزاران سرزمین‌های تحت سلطه عباسی ارسال گردد.^۳ طاهر در این نامه‌ها، همواره بر ضرورت توجه و خدمت به مردم، قضاوت عادلانه، شیوه درست اخذ مالیات و تأثیر آن در کشورداری، رسیدگی به محرومان و برخورد با افراد سودجو و تلاش برای عمل خالصانه تأکید می‌نمود؛^۴ به عنوان مثال، طاهر در نامه‌ای به عبدالله می‌نگارد:

در کار رعیت که می‌پردازی، چیزی از امساک، تباهی‌انگیزتر نیست. بدان که اگر حریص باشی، کارت به استقامت نیابد؛ مگر اندکی از اموال رعیت چشم پوشی و با آنها ستم نکنی.^۵

۱. ضحاک بن محمود گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۳۰۱.

۲. ر.ک: ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ص ۲۳۴.

۳. ر.ک: ابوزید عبدالرحمن ابن خلدون، العبر تاریخ ابن خلدون، ص ۶۷.

۴. در این خصوص، مقاله‌ای با عنوان «مقایسه اندرزنامه طاهر ذوالیمینین با نامه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر» تألیف شده است که نویسنده مقایسه‌ای تطبیقی میان آنها انجام داده است. (ر.ک: سید ابوالفضل موسوی فرد و دیگران، «مقایسه اندرزنامه طاهر ذوالیمینین با نامه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر»، ص ۱۲۹-۱۴۰)

۵. ر.ک: ضحاک بن محمود گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۳۰۱.

۶. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۱۳، ص ۵۶۹۲.

پندنامه‌های طاهر به عبدالله، در واقع دستور کاری بود برای حکومت آل طاهر جهت رعیت‌پروری و رعیت‌نوازی که موازی تلاش ایشان جهت استقرار امنیت در سطوح مختلف، موجبات امتنان و شادی رعایای ستم‌دیده از حکومت اعراب را فراهم می‌ساخت که با حاکمیت امویان و اوایل عصر عباسیان، روزگار پُرمشقتی را پشت سر گذاشته بودند. طبری در خصوص پندنامه طاهر به رعیت آورده:

چون مردم بر پندنامه طاهر آگاه شدند، آن را دست‌به‌دست بردند و نسخه‌ها

از آن نگاهشتند.^۶

از دیگر عوامل مهم در رفاه اجتماعی و برقراری امنیت در میان مردم نیشابور عهد طاهری، عدالت‌گستری و رسیدگی به مردم ستم‌دیده بود. در این خصوص، وی هرازچندگاهی، بار عام می‌داد و به شکایت مردم رسیدگی می‌کرد؛ چراکه بساط عدل را عامل اصلی دوام حکومت می‌دانست.^۱ در روایات آمده که رفتار عبدالله با رعیت به همراه آوازه عدل‌وداد ایشان در مناطق تحت امرشان، به صورتی بود که ایرانیان به‌تنگ‌آمده از سلطه دیگر کارگزاران خلفای عباسی، خواستار آن بودند که ولایتشان با نظارت حکومت طاهری اداره شود.^۲ کوتاه سخن اینکه عبدالله در شیوه حکومت‌داری با رعایای خود، بنا بر وصیت پدر، همواره تلاش می‌کرد تا جامعه‌ای در نهایت رضایتمندی بسازد. در مورد شیوه برخورد وی با رعایا، در منابع آمده که وقتی عبدالله وارد نیشابور شد، مردم از نایبش محمدبن حمید طاهری (م. ۲۴۸ق) شکایت کردند که به آنان ظلم نموده و خیابان را ضمیمه خانه خویش کرده است و عبدالله نیز به منظور جلب رضایت اهالی نیشابور، او را عزل کرد و دستور داد تا آن دیوار را خراب نمایند.^۳ در *روضات الجنات*، حکایتی دیگر از

۱. محمدبن محمد غزالی، نصیحة الملوك، ص ۱۶۲.

۲. ر.ک: ابوبکر احمدبن محمد اسحاق همدانی ابن‌فقیه، البلدان، ص ۱۲۱.

۳. ر.ک: عزیزالدین ابن‌اثیر، تاریخ کامل، ص ۱۸۱؛ ضحاک‌بن محمود گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱،

مردم‌داری عبدالله بن طاهر آمده که وی دستور داد قناتی در نیشابور برای وی حفر نمایند. وقتی قنات به بهره‌برداری رسید، زنی از عبدالله شکایت کرد که قنات او به کاریز این زن بی‌بضاعت نقصان آورده است. در پاسخ عبدالله، مقنی‌های نیشابور را جهت تفحص در صحت سخن زن مأمور ساخت و با اینکه رأی تمامی ایشان بر عدم خسارت به کاریز زن بود، اما عبدالله به علت عدم رضایت زن، قنات خودش را از ریگ انباشته کرد.^۱

۴. اصلاح شیوه خراج

از علل دیگر رونق اقتصادی نیشابور، شیوه گرفتن خراج بود. سفارش‌های طاهر بر شیوه خراج و مالیات‌گیری از رعیت، بیانگر سیاست‌های اصلاح‌گرانه‌ای است که گرچه طاهر خود به انجام آن توفیق نیافت، اما عبدالله به سفارش‌های او عمل نمود.^۲

بر این اساس، عبدالله تصمیم گرفت شیوه خراج‌گیری متداول حکام عرب را دگرگون نماید و در شیوه مالیات‌گیری‌اش، عدل و انصاف را در ولایت نیشابور و خراسان رعایت نماید. از این جهت، عبدالله در خراج‌گیری حال و وضع معیشتی مردم را درک می‌نمود و همواره به این نکته متذکر بود که پُرکردن کیسه و به دست آوردن نام نیک، هرگز با هم جمع نمی‌گردد.^۳ در بحث خراج و مالیات، باید خاطر نشان کرد که تا قبل از حکومت طاهریان، خراجی که حکام محلی برای حفظ موقعیتشان به ظلم و زور از رعیت دریافت می‌کردند، مستقیم برای خلیفه وقت ارسال می‌شد؛ اما با شروع حکومت طاهریان، روند خراج‌گیری متحول شد؛ به گونه‌ای که نه تنها در جمع‌آوری مالیات، رعایت حال مردم در نظر گرفته می‌شد، بلکه همانند گذشته مالیات اخذشده از رعایا برای خلفا در بغداد ارسال نمی‌گردید و در این زمینه، تنها به فرستادن هدایا اکتفا می‌گردید. همچنین، به پاس خوش‌خدمتی آل طاهر، خلفای عباسی نیز علاوه بر بخشودگی خراج خراسان به ایشان، از

۱. ر.ک: محی‌الدین محمد اسفزاری، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، ص ۱۸۵-۱۸۶.

۲. عبدالرحمن ابن خلدون، *مقدمه*، ص ۶۰۱-۶۰۲؛ محمد بن جریر طبری، *تاریخ طبری*، ج ۱۴، ص ۵۶۹۷.

۳. ر.ک: عزالدین ابن اثیر، *تاریخ کامل*، ج ۱۱، ص ۱۸۱.

بغداد درهم و دینار نیز برای طاهریان می‌فرستادند.^۱ بنابراین، عبدالله و به تأسی از وی، دیگر امرای طاهری، برخلاف دیگر حکام اموی و عباسی در سرزمین خراسان، نه تنها سرمایه نیشابور و خراسان را در این ولایت نگاه داشتند، بلکه موفق شدند از بغداد نیز کمک مالی دریافت نمایند که این موضوع، رویدادی قابل توجه در روند رشد اقتصادی نیشابور بود.^۲ در این راستا، طاهریان خراج دریافتی را به منظور آبادانی راه‌های خراسان و ایجاد امنیت و آسایش برای کاروان‌های تجاری و رفاه حال اجتماع و سپاهیان به کار می‌بردند. این اقدام آنان، از جمله اقدامات مهم در رونق اقتصاد نیشابور و سرزمین خراسان بود. امنیت راه‌ها، از جمله اقدامات دیگر عبدالله بود که به صورت مستقیم بر رشد اقتصاد نیشابور تأثیر نهاد. این مهم نیز بنا بر وصیت طاهر بود:

در امنیت راه‌ها بکوش، تا آسایش مردم را تأمین کنی.^۳

همان‌گونه که ذکر شد، این موفقیت مرهون سرمایه‌ای بود که از مازاد خراج، جهت عمران مسیر کاروانیان صرف می‌شد و همان‌طور که گفته شد، مجموعه این اقدامات، این شهر را به بارانداز مال‌التجاره تبدیل کرد.^۴

۵. رونق صنایع، تجارت و بازرگانی

بسیاری از شهرهای خراسان و از جمله نیشابور، بر سر راه‌ها و مسیرهای تجاری و بازرگانی قرار داشتند و از آنجا که عبدالله بیش از دیگران به رونق تجارت در عصر طاهری توجه داشت، علاوه بر ایجاد امنیت راه‌ها، برای آسایش و استراحت کاروان‌های تجاری، اقدام به آبادانی راه‌های نیشابور و تأسیس رباط‌ها و کاروانسرا نمود. در این راستا، وی

۱. ر.ک: عبدالحسین زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۶۰۳.

۲. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۳۲؛ ضحاک بن محمود گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۳۰۳.

۳. ابوزید عبدالرحمن ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ص ۵۹۲.

۴. مقدسی، احسن التقاسیم، ص ۴۷۵.

علاوه بر ساخت کاروانسراها، موقوفاتی را برای حفظ آنها اختصاص می‌داد؛^۱ چنان‌که برای رباط فراوه که شهری در حدود بیابان و غزان بود، روستاهایی را در حوالی نیشابور وقف کرد.^۲ رونق بازرگانی، به واسطه رسیدگی به راه‌ها و به دنبال آن، رفت‌وآمدهای تجاری در سایه امنیت حاکم بر ولایت نیشابور، به نظر برخی پژوهشگران موجب گردید عصر آغاز پیشرفت نسبی صنایع نیشابور بعد از دوران ساسانی، دوباره رقم زده شود؛^۳ به عنوان مثال، از روستاهای نیشابور، پوشاک و کالای صنعتی و صنایع دستی به واسطه تعدد کاروان‌های تجاری، صادر می‌شد.^۴ همچنین، در بازارهای نیشابور اکثر صنوف فعالیت داشتند؛^۵ به عنوان نمونه، می‌توان گفت: با وجود منابع کانی و مواد طبیعی در ولایت نیشابور، صنایع گوناگون مسیر رشد و ترقی هرچه بیشتر خود را طی نمودند و استادان صنعتگر و هنرمندان توانستند ساخته‌های متنوع خود را به بازارهای تجاری نیشابور عرضه نمایند. از این رو، سفال‌سازان چیره‌دست ظرف‌هایی نیکو می‌ساختند و در آن ایام، نیشابور یکی از مراکز مهم سفالگری به حساب می‌آمد؛ تا آنجا که در سده سوم هجری، ساخت مهم‌ترین و اصیل‌ترین سفالینه ایرانی در دو مرکز نیشابور و سمرقند انجام می‌شد.^۶ ساخت سفال لعابدار دوره عباسی، با حکومت طاهریان در این سرزمین آغاز گردید.

همچنین، با وجود منابع سرشار آهن، مس، نقره و دیگر فلزها، صنعت فلزکاری در نیشابور پیشرفت نمود.^۷ ضرب سکه نیز در ضرابخانه‌های این شهر، به مؤلفه‌ای مؤثر در

۱. ر.ک: امیر اکبری، تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام، ص ۳۰۰.

۲. ر.ک: احمد بن عمر ابن رسته، الأعلاق النفیسة، ص ۱۹۹.

3. Oleg Grabar, The Visual Arts in The Cambridge History of Iran, P: 352.

۴. ر.ک: محمد بن احمد مقدسی، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ج ۲، ص ۴۷۵.

۵. ر.ک: ابوالقاسم محمد بن حوقل، صورة الأرض، ص ۱۹۸-۱۹۹.

6. Grabar, 1975, P: 352-353.

۷. ر.ک: مقدسی، أحسن التقاسیم، ص ۴۷۵؛ امیر اکبری، تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام،

ص ۳۰۳-۳۰۵.

رشد اقتصاد نیشابور مبدل شد. اینکه طاهریان از امکان ضرب سکه در سرزمین خود برخوردار بودند، خود عاملی تأثیرگذار در اقتصاد است؛ اما نکته مهم‌تر این است که به جز سکه‌های آغاز حکومت طاهری که به نام خلیفه ضرب گردیده، بقیه به نام امرای طاهری منقوش است که نمایانگر این نکته است که طاهریان در کنار شبه‌استقلال سیاسی، از استقلال کامل اقتصادی برخوردار بودند.^۱ در *أحسن التقاسیم* آمده که صنعتگران نیشابور، آهن بسیار و تا حدودی مس و سرب و نقره در دسترس داشتند. بنابراین، نه تنها در تأمین فلزهای ضروری خود مشکلی نداشتند، بلکه در قالب کالای تجاری، این فلزات را به جاهای دیگر صادر می‌کردند.^۲ با توجه به رونق کشاورزی در دوره طاهریان، کشت پنبه و صادرات پارچه‌ها و مصنوعات پنبه‌ای رونق داشت^۳ و منسوجات و بافندگی، از دیگر صنعت‌های تجاری مشهور این دوره نیشابور بود که تنوع این پارچه‌ها در عهد طاهری، به ۱۷ نوع می‌رسید.^۴ علاوه بر این، پارچه‌های پشمی و ابریشمی نیز همراه پارچه‌های پنبه‌ای صادر می‌شد.^۵ همه اینها در سایه امنیت، آرامش و رفاه اجتماعی حاصل آمده در نتیجه اصلاحات حکومت طاهریان رقم خورده بود که کشاورزان، صنعتگران و تولیدکنندگان علاوه بر دادوستد محصولاتشان در کاروانسراها و رباطها، مازاد آن را به بازارهای نیشابور ارسال می‌کردند. بر این اساس، علاوه بر ساکنان شهر، بازرگانان و تجار ولایات دیگر برای تهیه اقلام مورد نیازشان، از بازارهای نیشابور گذر می‌نمودند و با خریدوفروش کالا، به بازارهای این شهر رونقی خاص بخشیده بودند.

۱. ر.ک: ریچارد فرای، عصر زرین فرهنگ ایران، ص ۲۰۸.

۲. مقدسی، *أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*، ج ۲، ص ۳۲۴ و ۴۷۵.

۳. زکریا ابن محمد بن محمود القزوینی، *آثار البلاد وأخبار العباد*، ترجمه: عبدالرحمن شرفکندی، ص ۲۳۴.

۴. ر.ک: ابن فقیه، *البلدان*، ص ۸۷.

۵. ر.ک: اصطخری، *مسالك و ممالک*، ص ۲۹۶.

از دیگر عوامل مؤثر در رشد اقتصاد نیشابور، اقدامات عمرانی طاهریان می‌باشد که از این رهگذر، مناطقی چون: دهستان در میان خوارزم و جرجان، کوفکن در نزدیکی ابیورد و نیز فراوه در نزدیکی خوارزم و نیشابور ساخته شد.^۱ این عمران و آبادانی، علاوه بر بحث رونق مسیرهای تجاری و راه‌ها، بر میزان خراج‌گیری هم تأثیر رو به رشدی را نهاد؛ به عنوان مثال، با مقایسه خراج زمان هارون الرشید (۱۷۴-۱۹۳ق) با عصر عبدالله، مشاهده می‌شود که میزان خراج اخذشده، به دو برابر افزایش یافته است.^۲ علاوه بر رفاه مردم عادی، عبدالله برای آسایش سپاهیان خود نیز شهری به نام «شادیخ» در نزدیکی نیشابور ساخت.^۳ این اقدام عبدالله، در گسترش عدالت و آرامش مردم شهر نیشابور و در امان ماندن آنان از تعرضات احتمالی سپاهیان، بسیار مؤثر بود.^۴

نتیجه

پژوهش حاضر، تلاشی بود برای اینکه جایگاه روشنی از عهد طاهریان را به عنوان اولین حکومت نیمه‌مستقل ایرانی پس از حمله اعراب در زمینه رشد اقتصادی نیشابور دوران این حکومت تبیین نماید. بر اساس یافته‌های تحقیق، مشخص گردید که سه رکن: کشاورزی، صنعت و بازرگانی، عوامل مؤثر در رشد اقتصاد نیشابور بودند که به واسطه اقدامات و اصلاحات عبدالله در شیوه حکومت‌داری محقق گردید. نخستین اقدام عبدالله در راه تحول اقتصاد نیشابور، غلبه بر خوارج و ایجاد امنیت و آرامش برای مردم این سرزمین بود؛ زیرا در سایه این رویداد، قتل، غارت و هراس دهقانان و کشاورزان پایان یافت و توانستند همچون گذشته به واسطه بهره‌مندی از آب، هوا و خاک حاصل‌خیز، کشاورزی را دوباره

۱. ر.ک: اسماعیل بن علی ابوالفداء، تقویم البلدان، ص ۵۰۷-۵۱۷.

۲. ابن خردادبه، مسالک و ممالک، ص ۳۴.

۳. ر.ک: حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، مقدمه محقق، صکر؛ ابن اثیر، ابن اثیر، ج ۶، ص ۳۸۲.

۴. حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، ص ۲۶۸-۲۶۹.

احیا نمایند. اقدام دیگر عبدالله در راه رونق اقتصاد، تأکید بر احیا و حفر قنات‌های متعدد جهت رفاه حال کشاورزان بود. علاوه بر این، در امر خراج‌گیری نیز به عدالت رفتار می‌نمود و برخلاف حاکمان گذشته، نه تنها تمامی درآمد حاصل از جمع‌آوری مالیات را برای خلفای عباسی ارسال نمی‌کرد، بلکه به پاس خوش‌خدمتی‌شان، از بغداد برایشان درهم و دینار ارسال می‌گردید که خود در انباشته شدن سرمایه آل طاهر بسیار مؤثر بود؛ سرمایه‌ای که بیشتر آن، برای آبادانی نیشابور و راه‌های تجاری اطراف این شهر و برقراری امنیت آن خرج می‌شد و مقداری نیز در راه کمک به نیازمندان صرف می‌گردید. تمام این اقدامات عبدالله که در نهایت به رشد اقتصاد نیشابور انجامید، مرهون تربیت صحیح و دقیق پدرش طاهر بود که او را همواره به انجام امور نیک رهنمون می‌داشت.

علاوه بر اصلاحات عبدالله در شیوه حکومت‌داری، عوامل دیگری چون ساختن رباط‌ها و کاروانسراهای متعدد به واسطه موقوفات طاهریان نیز در راستای رونق مسیرهای تجاری و به دنبال آن ایجاد مشاغل خدماتی و دادوستد هرچه بیشتر، بسیار ارزنده بود؛ به‌گونه‌ای که با ایجاد امنیت راه‌ها به همراه بنای استراحتگاه‌های متعدد برای کاروان‌های تجاری و مسافرتی، راه‌های بازرگانی اطراف نیشابور بسیار پُرفرت‌وآمد گردید و به دنبال آن، بازارهای نیشابور نیز با آمدن تجار و بازرگانان متعدد، پُرونق شد؛ زیرا عرضه و تقاضا در این بازارها، به سرعت رو به گسترش نهاد و مردم به راحتی می‌توانستند محصولات مازاد خود را، چه در زمینه کشاورزی و چه در زمینه صنعت، به فروش رسانند. سرانجام می‌توان اذعان داشت که اقدامات و اصلاحات طاهریان، مانند: عمران و آبادانی، تخفیف و بخشودگی مالیات، تکریم هم‌زمان رعایا به‌ویژه کشاورزان و سپاهیان، عدالت‌گستری و نیز کمک به نیازمندان، توانست شهر نیشابور بحران‌زده از شیوخون‌های متوالی خوارج را همچون دوره قبل از تاخت‌وتاز اعراب، دوباره به سوی امنیت و رفاه اجتماعی احیا نماید. بنابراین، عصر طاهریان، به‌ویژه عبدالله، دوران طلایی در تاریخ نیشابور است که در طی آن، اقتصاد این شهر رو به رشد نهاد. بر این اساس، می‌توان اذعان داشت با اینکه

طاهریان در شرایط بحران زده‌ای در سرزمین خراسان، قدرت را به دست گرفتند، اما به واسطه اصلاحاتی که در سه زمینه: ایجاد امنیت، توسعه عدل و تکریم رعایا و توسعه رفاه اجتماعی مردم و سپاهیان نمودند، توانستند بستری مهیا سازند که در آن، تهدید نارضایتی مردم به تنگ آمده از جور حاکمان اموی و عباسی در نیشابور، به فرصتی برای رونق بخشیدن به اقتصاد این شهر مستعد از لحاظ کشاورزی و صنعت مبدل گردد.



منابع

۱. ابن اثیر، عزیزالدین، ۱۳۵۱، تاریخ کامل، ترجمه: عباس خلیلی، تهران، نشر علمی.
۲. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد، ۱۳۴۵، صورة الأرض، ترجمه: جعفر افشار، تهران، نشر بنیاد فرهنگ ایران.
۳. ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله، ۱۳۷۱، مسالک وممالک، ترجمه: سعید خاکنند، تهران، نشر میراث ملل.
۴. ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن، ۱۳۴۵، العبر تاریخ ابن خلدون، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران، نشر مؤسسه مطالعات فرهنگی.
۵. —، ۱۳۵۱، مقدمه، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران، نشر علمی و فرهنگی.
۶. ابن رسته، احمد بن عمر، ۱۳۶۵، الأعلاق النفیسة، ترجمه: حسین قره چانلو، تهران، نشر امیرکبیر.
۷. ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق: عبدالله سالم، بیروت، دار الفکر.
۸. ابن فقیه همدانی، ابوبکر احمد بن محمد، ۱۳۴۹، ترجمه مختصر البلدان، ترجمه: مسعود علیا، تهران، نشر بنیاد فرهنگ ایران.
۹. ابوالفداء، اسماعیل بن علی، ۱۳۴۹، تقویم البلدان، ترجمه: عبدالحمید آیتی، تهران، نشر بنیاد فرهنگ ایران.
۱۰. اسفزاری، محی الدین محمد، ۱۳۳۸، روضة الجنات فی أوصاف مدینة هرات، تصحیح: سید محمد کاظم امام، تهران، نشر دانشگاه تهران.
۱۱. —، ۱۹۶۱م، روضات الجنات فی أوصاف مدینة هرات، به اهتمام: محمد اسحاق، کلکته، نشر دانشگاه علیگر.
۱۲. اسلامی ندوشن، محمد علی، ۱۳۷۱، صفیر سیمغ، تهران، نشر یزدان.
۱۳. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، ۱۳۶۸، المسالک والممالک، ترجمه: ایرج افشار، تهران، نشر علمی و فرهنگی.
۱۴. اکبری، امیر، ۱۳۹۱، تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام، مشهد، نشر بنیاد پژوهش های اسلامی.
۱۵. آلتون، دنیل، ۱۳۶۷، تاریخ سیاسی و اجتماعی خراسان در زمان حکومت عباسی، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران، نشر علمی و فرهنگی.
۱۶. بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، ۱۳۵۰، تاریخ بیهقی، تصحیح: علی اکبر فیاض، مشهد، نشر دانشگاه فردوسی.
۱۷. ثابتی، سید علی مؤید، ۱۳۵۵، تاریخ نیشابور، تهران، نشر انجمن آثار ملی.
۱۸. ثعالبی، ابومنصور عبدالملک، ۱۳۶۸، لطائف المعارف، ترجمه: علی اکبر شهابی، مشهد، نشر آستان قدس رضوی.

۱۹. جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، بی تا، اشکال العالم، ترجمه: علی بن عبدالسلام کاتب، مشهد.
۲۰. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله، ۱۳۷۵، تاریخ نیشابور، ترجمه: محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، به اهتمام: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، نشر آگه.
۲۱. خضری، سید احمد رضا، ۱۳۸۴، تاریخ خلافت عباسی، تهران، نشر سمت.
۲۲. اللوری، عبدالعزیز عبدالجبار المطلیبی، ۱۹۷۱م، اخبار الدولة العباسیة، بیروت، دار الصادر.
۲۳. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۱، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، نشر امیرکبیر.
۲۴. —، ۱۳۶۹، تاریخ مردم ایران، تهران، نشر امیرکبیر.
۲۵. سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۶۰، دائرة المعارف سرزمین و مردم ایران، تهران، نشر کلمه.
۲۶. شیروانی، حاج زین العابدین، ۱۳۳۹، ریاض السیاحة، تصحیح: اصغر حامد ربانی، تهران، نشر سعدی.
۲۷. طاهری، علی، ۱۳۸۰، درآمدی بر جغرافیا و تاریخ نیشابور، نیشابور، نشر شادیاخ.
۲۸. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۶۹، تاریخ طبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، نشر اساطیر.
۲۹. غزالی، محمد بن محمد، ۱۳۶۷، نصیحة الملوك، تصحیح: استاد علامه جلال الدین همایی، تهران، نشر هما.
۳۰. فرای، ریچارد، ۱۳۵۸، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران، نشر سروش.
۳۱. قزوینی، حمدالله بن ابی بکر بن نصر، ۱۳۳۶، نزهة القلوب، ترجمه: محمد دبیر سیاقی، تهران، نشر کتابخانه طهوری.
۳۲. گردیزی، ضحاک بن محمود، ۱۳۶۳، زین الأخبار، به اهتمام: عبدالحی حبیبی، تهران، نشر دنیای کتاب.
۳۳. —، ۱۳۶۳، تاریخ گردیزی، به اهتمام: عبدالحی حبیبی، تهران، نشر دنیای کتاب.
۳۴. مستوفی، حمدالله، ۱۳۶۵، نزهة القلوب، به کوشش: محمود دبیر سیاقی، تهران، نشر کتابخانه طهوری.
۳۵. مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۷۰، مروج الذهب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، نشر علمی و فرهنگی.
۳۶. مقدسی، محمد بن احمد، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ترجمه: علینقی منزوی، تهران، نشر کاویان.
۳۷. مقدسی، مطهر بن طاهر، ۱۳۷۴، آفرینش و تاریخ، ترجمه: شفیعی کدکنی، تهران، نشر آگه.
۳۸. موسوی فرد، سید ابوالقاسم؛ صادقی، حسن، ۱۳۹۴، «مقایسه اندرزنامه طاهر ذوالیمینین با نامه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر»، فصلنامه مطالعات حدیث، سال اول، بهار و تابستان.

۳۹. نامعلوم، بی‌تا، حدود العالم من المشرق إلى المغرب، به کوشش: منوچهر ستوده، تهران، نشر طهوری.

۴۰. نظام الملک توسی، ابوعلی حسن بن علی، ۱۳۶۴، سیاست‌نامه، بی‌جا، نشر علمی و فرهنگی.

۴۱. هجویری، علی بن عثمان، ۱۳۳۶، کشف المحجوب، ترجمه: محمد عباسی، تهران، نشر امیرکبیر.

۴۲. یعقوبی، احمد بن ابی‌واضح، ۱۳۷۱، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران، نشر علمی و فرهنگی.

44. Grabar, Oleg, The Visual Arts, in The Cambridge History of Iran, Vol iv, edited by R.N Frye, New York: Cambridge University, 1975.

45. Wilkinson, Charles k, Nishapur: Pottery of the Early Islamic Period, New York: The Metropolitan Museum Of Art, 1995.

